مسأله شانزدهم: عمل الجاهل المقصِّر الملتفت باطل و ان كان مطابقاً للواقع.

**موضوع بحث:** اگر مکلَّفی می­داند مردم زمان او اعمال خود را بر اساس تقلید از مجتهد انجام می­دهند اما نمی­دانست که تقلید عوام از مجتهد لازم است لذا اعمال خود را بدونه تقلید از مجتهدی انجام داد

**سوال:** آیا اعمال چنین شخصی صحیح است یا خیر؟ اگر چنین شخصی معاملات و عبادات خود را بدونه تقلید از مجتهد انجام دهد چه حکمی دارد؟

**مسأله سه صورت دارد.**

**صورت اول:** اگر جاهل لزوم تقلید و ملتفت به مسأله تقلید باشد. ( می­داند مردم اعمال خود را از روی تقلید انجام می­دهند اما نمی­داند که آیا تقلید بر ع.ام لازم است یا نه؟ بدونه فحث و بررسی اعمال خود را بدونه تقلید انجام می­دهد)

**حکم:** صاحب عُروه می­نویسد عمل چنین شخصی باطل است **و إن کان مطابقا للواقع** ( حتی اگر بعد مدتی مقلِّد شد و اعمال گذشته او مطابق رأی مقلَّد فعلی او باشد عمل او صحیح نیست)[[1]](#footnote-1)

این گروه برای اثبات مدعای خود به چهار دلیل تمسک کرده اند.

**دلیل اول:**

صغری: در عبادت قصد وجه لازم است و مراد از قصد وجه همان قصد تمییز است یعنی باید قصد کند که نماز شکسته است یا کامل واجب است یا مستحب است نماز صبح است یا ظهر است.

کبری: جاهل به تقلید قصد وجه ندارد

نتیجه: کسی که مرجع ندارد و وظیفه خود را نسبت به عبادات نمی­داند( مثلا نمی­داند نماز جمعه بر او واجب است یا نه اگر هر دو را بخواند گرچه مطابق با واقع است ولکن در اثر اینکه قصد وجه نداشت باطل است)

**اشکال استاد:** به نظر ما این دلیل صحیح نیست.

**دلیل:** برای صحت عبادت قصد وجه لازم نیست بلکه همین قدر که عبادت اضافه به خدا پیدا کند کافی است (همین اندازه که مکلَّف نماز ظهر و جمعه به احتمال اینکه خدا امر کرده انجام دهد کافی است)

هیچ دلیلی بر اعتبار قصد وجه در عبادت نداریم نه دلیل لفظی نه بناء عقلاء و ... اساساً عبادت را عبادت می­گویند برای اینکه عمل عبادی به خدا نسبت داده می­شود. و همین نسبت دادن به خداوند مصحِّح عبادت است.

**دلیل دوم:** شیخ انصاری فرموده است: اجماع داریم بر اینکه نماز گزاری که احکام نماز را نمی­داند اگر نماز بخواند عملش باطل است.

**اشکال استاد:**

به نظر ما این دلیل مخدوش است زیرا **اولاً** اجماع منقول است و کاشف از رأی معصوم نیست **ثانیاً** مسأله اختلافی است، برخی قائل به صحت نماز چنین فردی هستند لذا اجماع تشکیل نمی­شود.

**دلیل سوم:** شیخ انصاری می­فرماید چنین شخصی که اعمال خود را بدونه تقلید اینجام می­دهد نیَّت جزمی ندارد و کسی که نیَّت جزمی ندارد عمل او کافی نیست.

**من قصد الاقتصار علی احد الفعلین لیس قاصدا لامتثال الامر الواقعی علی کل تقدیر نعم هو قاصد لامتثاله علی تقدیر مصادفه هذا المحتمل له لا مطلقا و هذا غیر کاف فی العبادات اللتی المعلوم وقوع تعبد بها.[[2]](#footnote-2)** می­فرماید: چنین شخصی امر واقعی را امتثال نکرد بلکه قصد کرده که این عمل احتمالی را بر فرض مصادف بودن با واقع امتثال کند. چنین قصدی در عبادات کافی نیست زیرا عبادت لازم است که یقین داشته باشد به اینکه به عبادت عمل کرده ای.

**اشکال استاد:** نظر ما این است که**.**

**اولاً** عُقلای عالم به امتثال های احتمالی هم اکتفاء می­کنند و این خود قوی ترین دلیل علیه کلام شما است. مثلاً اکر مولی به عبد خود بگوید: **جئنی بماءٍ** اما مشخص نکند آب سرد یا گرم باشد و عبد احتمال دهد مولی در این ساعت آب سرد می­خواهد حال اگر آب سرد بیاورد مولی حق مواخذه او را ندارد و این حکم عقلاء نشان می­دهد که اطاعت احتمالی کافی است.

**ثانیاً** عملی که اضافه به خداوند پیدا می­کند مُسقط تکلیف است و امتثال دو باره لازم نیست همین که سوال شود به چه دلیل نماز می­خوانی و او بگوید من فکر می­کنم خداوند به این عمل امر کرده است عبادت او صحیح است و لذا در شک در شرطیت شرطی یا جزیئت جزی حتی خود شما هم قائل به براعت هست. در این جا هم شک داریم آیا قصد جزم به عمل شرطیت دارد یا نه؟ اصل براعت است مگر اینکه دلیل ثابت کند که قصد جزم در نماز لازم است و این دلیل وجود ندارد.

**دلیل چهارم:** تقلید موضوعیَّت دارد زیرا عامل به عبادات یا باید مقلِّد باشد یا مجتهد باشد یا محتاط. چنانجه در مسأله هفتم گذشت.

مراد ما از موضوعیَّت این است که صحت یا بطلان عمل ما را یا تقلید یا احتیاط یا اجتهاد درست می­کند و اگر هیچ یک نباشد باطل است. و لو مطابق با واقع باشد.

**اشکال استاد:**

ما قبلاً بیان کردیم حجیَّت اجتهاد و تقلید طریقی است نه موضوعی.

شاهد کلام این است که: ما قائل به تخطئه هستیم نه تصویب لذا اجتهاد و تقلید طریقی است به این معنی که اگر عمل خود را طبق اجتهاد یا تقلید انجام دادیم اما خطا شد این اجتهاد و تقلید برای ما معذریَّت می­آوردو اگر به واقع رسیدیم در حق ما منجَّز می­شود.

**نظر استاد در این مسأله:** اعمال چنین شخصی باطل نیست حتی اگر موافق واقع نباشد زیرا دلیل بر بطلان عمل او نداریم.

بله این بحث مطرح است که آیا به خاطر تقلید نکردن و از این جهت که در این مسأله مقصِّر است مستححق عقاب می­باشد یا خیر؟

1. ۱-شیخ مرتضی انصاری هم قبل ایشان قائل به همین قول شده است. [↑](#footnote-ref-1)
2. ۲-کتاب رسائل –براعت-تنبیه دوم از تنبیهات شبهات وجوبیه. [↑](#footnote-ref-2)